

پدیدارشناسی و عرفان

عمودیت تجربه‌ی دینی

www.ketab.ir

سرشناسه	:	استاینباک، آنتونی ج. Steinbock, Anthony
عنوان و نام پدیدآور	:	پدیدارشناسی و عرفان عمودیت تجربه دینی/آنتونی جی. استاینباک ؛ ترجمه منیره طلیعه‌بخش
مشخصات نشر	:	تهران: نشر علمی، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	:	۳۸۰ص.
شابک	:	۹۷۸-۹۶۴-۴۰۴-۵۱۰-۳
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
عنوان دیگر	:	عمودیت تجربه دینی.
موضوع	:	فلسفه و دین
شناسه افزوده	:	طلیعه‌بخش، منیره، ۱۳۶۹-، مترجم
رده بندی کنگره	:	BL۵۱
رده بندی دیویی	:	۲۰۴/۲۲
شماره کتابشناسی ملی	:	۸۸۱۰۷۷۱
اطلاعات رکورد کتابشناسی	:	فیا



پدیدارشناسی و عرفان
عمودیت تجربه‌ی دینی

آنتونی جی. استاینباک

ترجمه: منیره طلیمه‌بخش

چاپ اول ۱۴۰۱

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

چاپخانه: مهارت

لیتوگرافی: باختر

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۰۴-۵۱۰-۳

مرکز پخش: خیابان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - خیابان شهدای ژاندارمری

پلاک ۱۰۳ - تلفن: ۶۶۴۶۳۰۷۲ و ۶۶۴۶۰۵۱۲

www.elmipublications.com

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

فهرست مطالب

۱	مقدمه مترجم
۷	مقدمه مؤلف بر ترجمه
۱۱	سیاسگزاری
۱۳	پیشگفتار
۱۳	دادگی عمودی در تجربه بشری
۱۵	دادگی و تجربه
۲۰	عمودیت
۲۱	قلمرو حاضر سازی
۲۹	دادگی عمودی و مسئله شرک
۳۸	یادداشت‌ها
۴۳	فصل اول: شکل دینی و عرفانی تجربه
۴۳	تعیین‌ناپذیری تجربه دینی
۴۶	وجه مشخصه قلمرو دینی از مجرای تجربه عرفانی
۵۰	دادگی در تجربه عرفانی و پدیدارشناسی
۵۷	پدیدارشناسی تکوتی و هرمنوتیک
۶۵	سنت ابراهیمی
۷۲	یادداشت‌ها
۷۷	فصل دوم: قدیسه ترزا و عرفان نیایش
۷۷	میراث رهبانیت و نظم [رهبانیت] کرملی
۸۲	محیط شخصی و عرفان سنت ترزا
۹۰	انحاء نیایش

۱۰۳	یادداشت‌ها
۱۱۱	فصل سوم: خاخام داو بائر و عرفان خلسه
۱۱۱	سنت عرفانی یهودی و خصلت خلسه‌ای حسیدیسم
۱۱۵	تسدکا (راستی) و تسدیک (فرد صالح)
۱۱۹	حسیدیسم خباد
۱۲۲	انحاء خلسه
۱۲۴	خلسه طبعی
۱۳۱	خلسه الهی
۱۳۷	یادداشت‌ها
۱۴۵	فصل چهارم: روزبهان بقلی و عرفان کشف
۱۴۵	عرفان اسلامی و سنت پیامبرانه
۱۴۸	تصوف به عنوان میراث عرفانی اسلام
۱۵۳	انحاء کشف
۱۵۹	مقامات و احوال
۱۶۳	قایم موشک
۱۶۵	مراتب تجربه
۱۷۳	یادداشت‌ها
۱۸۱	فصل پنجم: مسائل بداهت در تجربه دینی
۱۸۲	آزمون دشوار نیایش
۱۹۴	محنت‌های خلسه الهی
۲۰۲	تأییدیه‌های کشف
۲۲۰	یادداشت‌ها
۲۲۵	فصل ششم: تجلی و بازپس‌نشینی

۲۲۷	 بازپس‌نشینی وجود و مسئله فراموشی
۲۳۶	 حضور عمودی به‌مثابه تجلی و مسئله شرک
۲۴۷	 یادداشت‌ها
۲۵۱	 فصل هفتم: در باب تفرّد
۲۵۲	 خودم و خود
۲۶۶	 تفرّد: این‌بودگی، تکینگی، فردینگی
۲۶۶	 اشکال غیر زیستی، ابژه‌ها و اینبودگی
۲۷۳	 وجود حیاتی و تکینگی
۲۷۸	 روح و شخص
۲۸۵	 فردینگی شخصی
۲۸۵	 داده‌دادگی
۲۸۸	 اطاعت یا نافرمانی
۲۹۳	 شخص به شخص
۳۰۱	 همبستگی
۳۰۶	 یادداشت‌ها
۳۱۳	 فصل هشتم: شرک
۳۱۵	 شرک و خود: غرور
۳۲۱	 شرک و پذیرش جهان (در معنای تحت‌اللفظی)
۳۲۱	 دنیاگرایی و بنیادگرایی
۳۲۲	 جهان همچون ابژه
۳۲۲	 جهان به‌عنوان امر دنیوی
۳۳۶	 دنیاگرایی در برابر بنیادگرایی؟
۳۳۶	 دین و فرهنگ

مقدمه مترجم

به یاد بیاورید نخستین بار چه زمانی احساس کرده‌اید تجربه‌ای خاص و منحصر به فرد داشته‌اید و تصور کنید تا چه حد برای به تبیین آن به دردسر افتاده‌اید. این تجربه می‌تواند احساس شما از قرار گرفتن در طبیعت، دیدار دوستی دیرین، درک مطلب و نکته‌ای از یک کتاب، اشتیاق به درجات بالاتر، گرمی داشتن شخصی ارجمند، حزنی مقدس، هدیه دادن، یافتن همراه و همدم یا احساس نبض حیات در وجود خود باشد. تمام این تجارب جلوه‌ای از آن چیزی است که در این اثر، عمودیت (verticality) نام دارد. عمودیت، حالتی از تجربه است که روح انسان را به بالا می‌کشاند.

یکی از حوزه‌های مطالعاتی حساس و پرسش‌برانگیز مطالعات میان‌رشته‌ای پدیدارشناسی و دین یا عرفان است. آثار بسیاری در حوزه فلسفه پدیدارشناسی و عرفان نوشته شده است و کتاب «پدیدارشناسی و عرفان: عمودیت تجربه دینی» نیز در زمره این کتب محسوب می‌شود. اما در عین حال خود را از ساختار غالب بر مطالعات پدیدارشناسی دین که مؤلف آن را ساختار حاضرسازی می‌نامد، دور نگاه می‌دارد. در واقع، هدف این کتاب توصیف پدیدارشناسانه تجربه دینی به مثابه دادگی عمودی یا عمودیت است؛ دادگی‌ای که بنا بر فهم مؤلف در طول تاریخ فلسفه، مورد غفلت قرار گرفته است. بنا به سخن مؤلف، ماکس شلر و پس از او میشل آنری، امانوئل لوی‌ناس و ژان لوک ماریون نخستین بار متوجه نوع متفاوت دادگی در تجارب دینی و عرفانی شدند و آثار این افراد نقش مهمی در گذار از حاضرسازی در پدیدارشناسی داشته است.

استاینباک مفهوم کلیدی عمودیت را از درون آثار دبلیو اچ آدن، باشلار، اروین استروس و نیز مرلوپونتی برمی‌کشد و برای نوع خاص تجاربی به کار می‌برد که تقلیل‌پذیر به ساختار حاضرسازی نیستند بلکه گواه حضور بنیادی «امر مطلق» در سه قلمرو دینی، اخلاقی و زیست‌محیطی بوده و در درون قلمرو تجربه انسانی قرار

دارند. عمودیت در مقابل مفهوم افقی بودن پدیدارشناسی قرار دارد و برخلاف افقی بودن دسترس‌پذیر، قابل دریافت و کنترل‌پذیر نیست. همچنین استاینباک مفهوم عمودیت را به دلیل پرهیز از تقابل «استعلا» و «درون‌ماندگاری» بر مفهوم «استعلا» ترجیح می‌دهد و همچون مرلوپونتی برای اشاره به خصیصه هستی‌شناختی عملی از مفهوم «عمق» نیز گذر می‌کند. عمودیت مسیرهایی از تجربه هستند که دارای جهت رو به بالا، حرکت، شکوفایی، پویایی و شدت هستند. بداهت، التفات و حالت دادگی مخصوص و منحصر به فرد خود را دارند، هیبت برمی‌انگیزند و ما را به وراى خود می‌برند.

در این اثر انحاء متمایز دادگی عمودی در ابعاد مختلف تجربه معرفی می‌شود از جمله «تجلی» در بُعد دینی تجربه، «مکاشفه» شخص دیگر در بُعد اخلاقی تجربه، «ظهور» همچون تمثال در آثار و مصنوعات فرهنگی، «آشکارگی» در زمین و «نمایاندن» موجودات. مؤلف از این میان تنها به یک نمونه از تجربه عمودی یعنی تجلی و جریان‌های حسی‌کننده شرک می‌پردازد. وی با بررسی روایت اول شخص از سه شخصیت سنت ابراهیمی، یعنی قدیسه ترزا آویلائی، خاخام داو بائر و شیخ روزبهان بقلی، طیف گسترده‌ای از تجارب عرفانی یا عمودیت را به مسائل فلسفی بداهت تجربه عرفانی، خودبودگی و دیگری مرتبط می‌سازد.

به تعبیر استاینباک آنچه مقابل دادگی عمودی و به‌ویژه تجلی قرار می‌گیرد، «شرک» است. تقابل عمودیت و شرک در اندیشه استاینباک به معنای متافیزیکی و بنیادگرایانه به کار نرفته است، بلکه او می‌کوشد با طرح این دو مفهوم بُعدی حیاتی از زندگی را به مرکز توجه آورد. وی استدلال می‌کند که شرک در جهان معاصر تبدیل به عادت‌ها و امور طبیعی زندگی ما شده است، حواس و دریافت‌های ما را مسدود ساخته و در چنان عمقی از شرک زندگی می‌کنیم که متوجه ابعاد کلان و خرد آن همچون ناهمدلی با دیگران، اقتصادمحوری، بی‌توجهی به منابع طبیعی و ... در زندگی خود نمی‌شویم. جهان معاصر با غفلت از دادگی عمودی و تخریب روابط عمودی در سطح کلان، سبب پرورش صورت‌های مختلف شرک شده

است. اگونیسم، سکولاریسم، کاپیتالیسم، ابژکتیویسم، بنیادگرایی، مرزگذاری، انسان‌گرایی، محیط‌زیست‌گرایی و نیز نفرت، بی‌تفاوتی، بی‌رحمی، ناعدالتی، فقر، نژادپرستی، ارتش‌سالاری، تنفر از زن، تروریسم ضد زیست‌محیطی، زمین‌بیگانگی و در معنای کلی انواع خشونت‌ها نتیجهٔ وارونگی روابط عمودی، معنویت‌زدایی و روح‌زدایی حاصل از آن در جهان معاصر است.

فقدان دادگی عمودی در نزد متفکران مختلف با عناوینی چون بحران (هوسرل)، ایدئولوژی (مارکس)، فراموشی (هایدگر) و رانه‌ها (فروید) عنوان شده است که به نظر مؤلف این ملاحظات ابعاد تجارب دینی، اخلاقی و زیست‌محیطی را نادیده می‌گیرد. این در حالی است که شرک در تمام فضاها امکان حضور دارد و مختص با همان فضا نمایان می‌شود. در نتیجه، مؤلف در این کتاب به دنبال نوعی نقد فرهنگ سکولار معاصر براساس گشودگی به فهمی کامل‌تر و امروزی‌تر از تجارب عرفانی است.

کتاب پدیدارشناسی و عرفان شامل یک مقدمه، هشت فصل و یک خاتمه و همچنین شامل واژه‌نامهٔ اصطلاحات اصلی عبری و عربی، یادداشت‌ها، کتاب‌شناسی و فهرست مطالب است. استاینباک در مقدمهٔ کتاب با عنوان «دادگی عمودی در تجربهٔ بشری» به مفاهیم اصلی و هدف اصلی کتاب می‌پردازد. فصل اول با عنوان «شکل دینی و عرفانی تجربه» به مشخصهٔ کلی تجربهٔ دینی و تجارب عرفانی در سنت‌های ابراهیمی اختصاص دارد. فصل سوم، چهارم و پنجم به ترتیب به سه اصطلاح مربوط به سه عارف سنت ابراهیمی قدیسه ترزا آویلابی (عرفان نیایش)، خاخام داو بائر (عرفان خلصه) و شیخ روزبهان بقلی (عرفان کشف) پرداخته می‌شود. استاینباک در فصل پنجم با عنوان «مسائل بدهت در تجربهٔ دینی» ساختار منحصر به فرد بدهت در تجارب عرفانی و شیوه‌های تأیید آن را در فضای دینی تحلیل می‌کند و در فصل ششم با عنوان «تجلی و بازپس‌نشینی» نحوهٔ دینی دادگی عمودی را به مثابهٔ تجلی تبیین کرده و آن را در تمایز با بازپس‌نشینی قرار می‌دهد. فصل هفتم با عنوان «در باب تفرّد» مربوط به مفهوم تفرّد شخصی و دادگی عشق است و فصل هشتم به مفهوم شرک و انواع و اقسام آن پرداخته می‌شود. در خاتمه

کتاب نیز با عنوان «در باب مرزگشایی از امر دینی و امر اخلاقی» تمایز بین مرزگذاری‌ها در تعریف اخلاق و اخلاق مبتنی بر دین روشن می‌شود. آنتونی جی. استاینباک تحصیل‌کرده دانشگاه استونی بروک در سنت فلسفه قاره‌ای، مدیر مرکز مطالعات پدیدارشناسی دانشگاه استونی بروک، سردبیر اصلی نشریه فلسفه قاره‌ای و همچنین ویراستار انتشارات مجموعه کتب SPEP است که دانشگاه نیوسترن منتشر می‌کند. استاینباک به سبب تحقیقات گسترده‌اش در حوزه پدیدارشناسی فردی شناخته شده است. کتاب پدیدارشناسی و عرفان در سال ۲۰۰۷ از سوی انتشارات دانشگاه ایندیانا به چاپ رسید و در سال ۲۰۰۹ جایزه کتاب ادوارد گودوین بالارد در پدیدارشناسی^۱ را از آن خود کرد.

آثار دیگر استاینباک عبارتند از «مسئله هدیه نیست: از دادگی به عشق» (۲۰۱۸)، «پدیدار مرزی و پدیدارشناسی در هوسرل» (۲۰۱۷)، «عواطف اخلاقی: احیای بداهت قلب» (۲۰۱۴)، دریافت‌کننده جایزه کتاب سمپوزیم ۲۰۱۵، «خانه و فراسو: پدیدارشناسی تک‌نظری پس از هوسرل» (۱۹۹۵)، ترجمه تألیف‌هایی در باب سنتر منفعل و فعال: سخنرانی‌هایی در باب منطق استعلایی، ادموند هوسرل، از مجموعه آثار هوسرلیانا (۲۰۰۱). اثر دیگری که به‌زودی منتشر می‌شود، عبارت است از «معشوق، عشق و نفرت: طرح‌واره قلب و رسالت‌ها و سرمشق‌ها: عمودیت تجربه اخلاقی». از میان این آثار تنها اثر ماکس شلر از دانشنامه فلسفه استفورد است که استاینباک آن را به‌طور مشترک با زکری دیویس نوشته، به فارسی ترجمه شده است. فرزاد جابر الانصار ترجمه این اثر را در سال ۱۳۹۳ در انتشارات ققنوس به چاپ رساند.

انگیزه اصلی ترجمه این اثر علاقمندی به تبیین فلسفی و پدیدارشناختی تجارب و معارف عرفانی بود. در طول دوره دکتری در دانشگاه تربیت مدرس این فرصت را یافتم تا در مرکز مطالعات پدیدارشناسی دانشگاه ایلینوی حضور یابم و از بحث‌ها و مکالمات طولانی درباره مفاهیم پدیدارشناسی و عرفان با مؤلف این

1. The Edward Goodwin Ballard Prize in Phenomenology

اثر بهره برم در نهایت تصمیم گرفتیم ترجمه این اثر را به عنوان مدخلی از بینش تخصصی پدیدارشناسی در باب عرفان برعهده گیریم.

برای معادل‌گذاری اصطلاحات از معادل‌های مستعمل در کتب ترجمه‌شده پدیدارشناسی مانند آثار دکتر عبدالکریم رشیدیان، دکتر مسعود علیا، سیاوش جمادی، دکتر علی نجات‌غلامی استفاده کردم. همچنین برای معادل‌گذاری و فهم بخش‌هایی از متن از مشورت با محسن صابر بهره جستیم. برخی از اصطلاحات این متن یا هنوز به فارسی ترجمه نشده‌اند یا ترجمه آن‌ها متناسب با بافت این کتاب نبود. به همین دلیل فرهنگ واژگانی را ترتیب دادم تا خواننده به راحتی به معادل‌های ترجمه‌شده در این اثر دسترسی پیدا کند. در ترجمه متن‌های برگرفته از کشف‌الاسرار روزبهان بقلی از ترجمه دکتر مریم حسینی در کتاب کشف‌الاسرار روزبهان بقلی استفاده کردم.

این کتاب زمینه مطالعاتی مناسبی برای مطالعات تطبیقی فلسفه پدیدارشناسی و ادبیات به‌ویژه ادبیات عرفانی فراهم می‌آورد و از طریق آن می‌توان به بازاندیشی و بازخوانی متون کهن ادبی در نسبت با محضلات دینی، اخلاقی و اجتماعی روز اقدام کرد. ترجمه این اثر همه پژوهشگران حوزه ادبیات، عرفان، فلسفه پدیدارشناسی و به‌ویژه پژوهشگران مطالعات تطبیقی سودمند خواهد بود.

منیره طلحه‌بخش

پاییز ۱۴۰۰